

تأسیس اخلاق سیاسی بر بنیاد اخلاق حرفه‌ای و اخلاق فضیلت‌گرا

نجمه کیخا^۱

چکیده

هدف: در نوشته حاضر سعی بر این است تا گرایش‌های اخلاقی مهمی که در بحث اخلاق سیاسی مورد توجه قرار می‌گیرند معرفی می‌شود و سپس این مسأله بحث می‌شود که اخلاق سیاسی مطلوب در جامعه کنونی ایران چه باید باشد؟ کدام الگو و نظریه اخلاق سیاسی با جامعه ما سازگارتر است و چگونه باید این الگو را پیاده نمود؟
روش‌شناسی پژوهش: در واقع این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی سعی می‌کند نشان دهد که چگونه این دو گونه از نظریات در فضای فکری ما تأثیر نهاده‌اند و با چه ترکیبی می‌توان به نظریه اخلاقی مطلوب در نظام سیاسی ایران دست یافت.
یافته‌ها: دیدگاه اخلاق فضیلت‌گرای اسلامی و ارسطویی از گذشته در جامعه ما مطرح بوده و تا امروز اقتدار و جایگاه برتر خود را حفظ کرده است. نظریات اخلاق هنجاری و اخلاق کاربردی که خود شامل اخلاق سازمانی و اخلاق حرفه‌ای می‌شود، در دهه‌های اخیر وارد فضای گفتمانی جمهوری اسلامی ایران شده‌اند. این نظریات به‌طور مختصر به بحث گذاشته شده است.
نتیجه‌گیری: آنچه در نتیجه پژوهش به‌عنوان دیدگاه مختار مطرح شده، نظریه اخلاق سیاسی حرفه‌ای است که از اخلاق فضیلت‌گرا سیراب می‌شود. این نظریه بیشترین همخوانی را با سنت فکری ما دارد و از سوی دیگر مشکلات دیدگاه سنتی را نیز برطرف می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: اخلاق سیاسی، اخلاق حرفه‌ای، سودگرایی، وظیفه‌گرایی، اخلاق فضیلت.

مقدمه

یکی از سؤالات مهمی که در فضای سیاسی و اجتماعی کنونی ما طرح می‌شود این است که چرا اخلاق سیاسی در جمهوری اسلامی ایران با پشتوانه بزرگ علوم دینی، ادبی، فلسفی و فرهنگ اخلاقی ایران باستان، کارنامه مطلوبی ندارد و ما در موارد زیادی شاهد بی‌اخلاقی و بداخلاقی، فساد، رشوه و اختلاس، بدعهدی و عدم پاسخ‌گویی و شفافیت هستیم. علاوه بر ناکامی در عرضه اخلاق سیاسی مطلوب از سوی مسئولین نظام، نوعی اغتشاش و سردرگمی فکری نیز مسأله‌ساز شده است. ترجمه و طرح مباحث جدید در زمینه فلسفه سیاسی و فلسفه اخلاق سبب ایجاد بحث‌های جدیدی شده است که نیازمند تحلیل و مقایسه نظریات و بررسی قوت و ضعف و توانمندی یا عدم توانمندی این نظریات در بهبود فضای فکری و زیست کنونی ماست. وظیفه‌گرایی و سودگرایی و مباحث اخلاق کاربردی که شامل اخلاق حرفه‌ای و سازمانی نیز می‌شود، در کنار اخلاق فضیلت‌گرا در فرهنگ ادبی، سیاسی و اجتماعی ایران، چشم‌اندازهای جدیدی در جهت توسعه اخلاقی جامعه گشوده‌اند و از سوی دیگر، فلسفه سیاسی کنونی با بحث از جامعه متکثر و حفظ حقوق همه اقلیت‌ها و گروه‌های تحت سلطه جامعه، فرایند دمکراتیک ساختن جامعه، حق آزادی و برابری، مقاومت و اعتراض مدنی، نظریه انتقادی و... بخش زیادی از مسائل اخلاق سیاسی را دربر گرفته است. بحث حکمرانی که در مقابل بحث حکومت کردن بر نقش همزمان سه عنصر جامعه مدنی، دولت و بخش خصوصی تأکید می‌کند، شاخص‌هایی را برای تعیین حکمرانی مطلوب معین کرده است که غالب آنها به‌طور مستقیم همان مؤلفه‌های اخلاق سیاسی است. شفافیت و پاسخگویی، کنترل فساد و ثبات سیاسی، عدم خشونت، قانون‌گرایی و اثر بخشی دولت از جمله این شاخص‌هاست (می‌دری، ۲۰۰۶: ۲۶۵).

هدف اصلی پژوهش حاضر این است که نشان دهد این تکرر مباحث، فایده‌ای در بهبود اخلاق سیاسی ما نخواهد داشت مگر این که گفتگویی بین فضیلت‌گرایی دیرین موجود در فرهنگ ما و نظریات اخلاقی جدید ایجاد شود و از این گفتگو و مفاهیم، سنتزی حاصل شود. سپس می‌توان با این سنتز ایجاد شده از مباحث فلسفه سیاسی و مطالب نهفته در بحث حکمرانی مطلوب به‌طور هدفمند و مشخص بهره برد. در حال حاضر هیچ‌گزینه هدفمند و مشخصی وجود ندارد و تمامی این نظریات به موازات هم و بدون هیچ تقدم یا تأخیری در جامعه طرح می‌شود و فایده‌ای نیز نمی‌رسانند.

از فواید دیگر بحث، نشان دادن راهمایی برای یافتن پاسخ‌های دقیق به مسائل اخلاق سیاسی است. برای نمونه بحث دست‌های آلوده که چالشی میان اصول اخلاق و رویدادها و مصالح متغیر جامعه ایجاد کرده است (Walser, 1973: 160-180)؛ با این پرسش‌های جدی همراه بوده که چقدر باید بر اصول اخلاقی استوار ماند و مصالحی که با اصول کلی در تضاد قرار می‌گیرد را چگونه باید تدبیر کرد؟ بحث دوگانه‌های اخلاقی شایع‌ترین مسأله اخلاق سیاسی است. دوگانه امنیت یا آزادی، امنیت یا شادی، سلامت یا اقتصاد از جمله این دوگانه‌هاست. هر چه اخلاق سیاسی توانمندتر گردد قدرت پاسخ‌گویی آن بیشتر خواهد شد. این پژوهش قصد دارد راهی پیشنهاد کند که چنین توانمندی‌ای تا حدی حاصل شود. بر این اساس در بخش اول، ظرفیت‌ها، توانمندی‌ها و کاستی‌های اخلاق فضیلت‌گرای اسلامی طرح می‌شود. در بخش دوم

نظریات سودگرایی و وظیفه‌گرایی بیان می‌شود و در سومین قسمت به اخلاق کاربردی و حرفه‌ای اشاره می‌شود. آخرین و مهم‌ترین قسمت این پژوهش چگونگی ایجاد سنتز میان اخلاق فضیلت‌گرا و اخلاق مدرن و کاربردی است.

اخلاق فضیلت‌گرا

اخلاق فضیلت، همان‌گونه که از نام آن پیداست بر کسب فضایل در فاعل اخلاقی تأکید می‌کند. فضیلت، خوشبختی و روح سه کلمه کلیدی در اخلاق فضیلت هستند. فضیلت یا *arête* ویژگی خاص یا نحوه تعالی خاص هر یک از موجودات را می‌گویند که سبب تمایز و برتری آن موجود نسبت به موجودات دیگر است. در مورد انسان سه فضیلت شجاعت، عدالت و اعتدال مهم هستند (Parry, 2014). به عبارتی برخلاف دو دیدگاه رقیب یعنی وظیفه‌گرایی و سودگرایی که فعل انجام شده و نتایج حاصل از فعل را مهم می‌دانند، از این دیدگاه، منش و خصائل فاعل اخلاقی قابل توجه بیشتری است. این سنت در غرب با مباحث سقراط، افلاطون و ارسطو در یونان باستان آغاز شد و در اندیشه‌های مسیحیت تداوم یافت. می‌توان گفت در اندرزنانه‌ها و متون ایران باستان، آموزه‌های اسلامی و متون فلاسفه سیاسی اسلامی نیز اخلاق فضیلت به‌طور کامل و جامع به‌عنوان نظریه‌ای بی‌رقیب و محکم عرض اندام کرده است.

در اخلاق فضیلت‌گرا بر تربیت اخلاقی انسان بر اساس کسب فضایل و دوری از ردایلی تأکید می‌شود. باید شرایط و زمینه‌های درست برای تربیت انسان فراهم باشد. نمی‌توان در هر جامعه‌ای و با هر هم‌نشینی زندگی کرد و انتظار تربیت فضیلت‌مندان را داشت. گرچه امکان پیدا شدن انسان فاضل در هر جامعه‌ای دور از انتظار نیست و در جوامع مختلف همواره انسان‌های درستکار و فرهیخته سربر آورده‌اند، اما اگر دغدغه رشد جمعی انسان‌ها و ایجاد یک جامعه فاضل را داشته باشیم باید اقدامات تربیتی و سیاسی هماهنگی در کل جامعه انجام داد.

به اعتقاد فضیلت‌گرایان، انسان بدون اجتماع و به تنهایی قابل تصور نیست. آنان بحث می‌کنند که کلمه *individual* در دوره مدرن و به معنای انسانی که بدون جامعه قابل تصور است، به کار رفت اما قبل از آن کلمات *man* و *person* به معنایی به کار می‌رفت که بعد اجتماعی بشر را در خود نهفته داشت و ما واژه‌ای که انسان را به دور از اجتماع در نظر بگیرد نداشتیم (عابدی رنانی و سرپرست سادات، ۲۰۱۶: ۲۲). از این دیدگاه، انسان با زندگی در جامعه سیاسی تربیت می‌شود و نظام سیاسی باید با ایجاد عادات مطلوب و با استفاده از قانون صحیح چنین کاری را انجام دهد (ارسطو، ۱۹۹۹: ۱۱۸۰ الف). باید همه افراد جامعه طالب خیر باشند و به یکدیگر در مسیر دست‌یابی به نیک‌بختی یاری برسانند و مجموعه‌ای از صفات و ملکات و سجایای فاضله را کسب کنند.

انسان با فضیلت باید مراقبه و محاسبه نفس دائمی داشته باشد و همچنین در حال تجربه عملی و مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی باشد تا هم شهروند خوب و هم انسان خوبی باشد. او به‌طور مداوم در حال تکامل و بهتر شدن است و هر روز می‌تواند تصمیماتی بگیرد که از روز قبل بهتر است. حکمت عملی

در این مکتب دقیقاً به همین معناست. حکمت عملی یعنی برخورداری از فضایل فکری و اخلاقی و داشتن تجربه عملی در زندگی (Hursthouse and Pettigrove, 2016). فارابی حکمت عملی را نیرویی می‌داند که در نتیجه آزمایش‌های بسیار امور حسی و از مشاهده طولانی مدت هستی‌های محسوس مقدماتی ایجاد می‌شود و توسط آن می‌توان کنش‌های شایسته و مناسبی انجام داد. عقل انسان تا زمانی که تجربه و آزمایش نکرده است، بالقوه است اما به واسطه تجربه عملی به کمال می‌رسد و در هر زمان از عمر انسان با افزایش تجارب افزون می‌گردد (فارابی، ۲۰۰۹: ۴۳). از آنجا که مسائل اجتماعی بسیار متغیر و متکثر هستند و یک انسان نمی‌تواند تمامی این امور را در طول عمر خود تجربه کند و به جامعیت عملی دست یابد، همواره بر نقش الگوهای اخلاقی تأکید زیادی می‌شود. این الگوها کسانی هستند که فضیلت‌مندند. رهبران سیاسی جامعه و کسانی که تجربه حکومت‌داری هم دارند می‌توانند مثال‌هایی برای این الگوها باشند. برای نمونه امام علی(ع) در نزد شیعیان نمونه‌ی شخصیت فضیلت‌مداری است که تجربه‌ی حکومت‌داری هم دارد. بیان جزئیات زندگی این الگوها و تصمیماتی که در لحظات مختلف گرفته‌اند به افراد کمک می‌کند تا برای تصمیم‌گیری در شرایط مختلف آماده‌تر شوند. لیندا زاگربسکی از کسانی است که معتقد است همان‌طور که ماهیت آب را از راه مشاهده تجربی نمونه‌های آن کشف می‌کنیم، فضایل نیز در خلال تجارب روزانه‌ی زندگی و از راه ارجاع به شخصیت‌های الگو و با فضیلت شناسایی می‌شود. این شخصیت‌ها بیش از همه سزاوار تحسین و تمجید هستند (شهریاری و نواب، ۲۰۱۵: ۴۹ و ۵۱).

یکی از تمایزات اخلاق فضیلت در تلقی عام این نظریه با نظریات اخلاق وظیفه‌گرا و فایده‌گرا، عدم ارائه قواعد عام تصمیم در اخلاق فضیلت است. در این مکتب غالباً فرض بر این است که شرایط انسان‌ها و جوامع بسیار متغیر است و نمی‌توان قواعدی ثابت برای همه زمان‌ها و مکان‌ها ارائه نمود (پورتر، ۱۹۹۹: ۱۴۵). از این‌رو انسان با فضیلت با کمک حکمت عملی می‌تواند در موارد نیاز بهترین تصمیم را بگیرد و هر تصمیمی که وی در این شرایط بگیرد درست خواهد بود. نوعی نگاه نخبه‌گرایانه و آریستوکرات در این نظریه نهفته است. گویی دیدگاه رهبر فاضل سیاستمدار ارزشمندتر از دیدگاه اکثریت افراد جامعه است. این رهبر، بهترین تشخیص را در لحظه خاص می‌گیرد و شاید نتواند دلیل آن را هم خوب و کامل توضیح دهد. حتی از نظر ارسطو در برخی موارد کسانی که از شناخت علمی بی‌بهره‌اند ولیکن تجربه دارند، در امور مختلف در عمل موفق‌تر از کسانی هستند که از شناخت علمی بهره‌ورند. مرد صاحب حکمت عملی باید هم کلیات و هم جزئیات را بداند بخصوص دومی را. ماهیت عمل سیاستمدار عمل کردن و شور کردن است زیرا تصمیم او از طریق عمل محقق می‌شود (ارسطو، ۱۹۹۹: ۲۲۲-۲۲۳). فاعل اخلاقی فضیلت‌مدار در زندگی خود همین‌گونه عمل می‌کند و چون مرتب در حال مراقبه و اصلاح و تهذیب خود است، هر روز تصمیمات بهتری می‌گیرد.

اخلاق فضیلت‌مدار به دو نوع کلاسیک و مدرن تقسیم می‌شود. نوع کلاسیک آن در یونان باستان و سپس در مسیحیت قابل پیگیری است و نوع جدید آن حاصل بازگشت برخی فلاسفه در قرن بیستم به آموزه‌های فضیلت‌گرایی است. آنسکومب، پینکافس و مکینتایر از مهم‌ترین نمایندگان نوفضیلت‌گرایی

محسوب می‌شوند (پینکافس، ۲۰۰۳: ۵۲). در درون این مکاتب نیز شعب زیادی وجود دارد که پرداختن به آن در حوصله و اهداف نوشته حاضر نیست.

ویژگی‌هایی که ذکر شد برخی از مهم‌ترین شاخص‌های فضیلت‌گرایی است. غالب این شاخص‌ها در فضیلت‌گرایی اسلامی نیز وجود دارد. در برخی موارد تفاوت‌هایی به چشم می‌خورد که برخی نویسندگان به این تفاوت‌ها اشاره نموده‌اند. تفاوت معنایی برخی مفاهیم فضیلت‌گرایانه با فضایل اسلامی، جامع و مانع نبودن فضایل در آثار افلاطون و ارسطو، سکولار بودن نظریه فضیلت در غرب به گونه‌ای که نظریات اخلاقی اشاره‌ای به دین ندارند از جمله‌ی این تمایزات است. در غالب این نظریات بجای منش بر رفتار تأکید می‌شود و بر این اساس بسیاری از مسائل انسانی مانند ازدواج و فرزندآوری را به دایره امور فردی راندند و تابع تصمیم شخصی افراد دانستند. بنابراین نمی‌توان نظریات فضیلت‌گرایانه در غرب را مشابه فضیلت‌گرایی اسلامی دانست (اسلامی، ۲۰۰۸: ۱۴-۱۵). با این حال برخی اصول کلی فضیلت‌گرایی که از آنها نام برده شد را می‌توان در فضیلت‌گرایی اسلامی مشاهده نمود. شیوه عمل اخلاقی که امام خمینی(ره) در حوزه سیاست نشان داده است نمونه خوبی است که تمایزات و تشابهات فوق را نشان می‌دهد.

امام خمینی(ره) میان اعتقاد و باور فرد و اخلاق و افعال او ارتباط مستقیم و رابطه‌ی تأثیر و تأثری برقرار می‌کند. این سه بر هم تأثیر می‌نهند (موسوی خمینی، ۱۹۹۲: ۳۹۰). بر این اساس نمی‌توان عمل اخلاقی درستی انجام داد بدون اینکه عقاید و باورهای صحیحی داشته باشیم و یا شعائر دینی را نادیده بگیریم. اخلاق فضیلت‌مندانه باید در هماهنگی با عقاید و کنش‌های ما انجام شود. در مقابل در تقسیم‌ی که فرانکنا انجام داده است، سه نوع اخلاق فضیلت وجود دارد: خودگروی و ویژگی نگر، همه‌گروی و ویژگی نگر و وظیفه‌گروی و ویژگی نگر. این نظریات به ترتیب بر این تأکید دارند که آیا فضایل به خیر و رفاه بیشتر ما بینجامند یا موجب فراهم شدن خیر عمومی گردند و در شکل سوم برخی ویژگی‌های خاص به خودی خود فضیلت‌مندند؛ مانند نیک‌خواهی، عدالت و درستکاری و اطاعت از خدا. فرانکنا دسته‌ی سوم را می‌پذیرد که برخی فضایل را به‌عنوان فضایل اصلی بر می‌گزینند (فرانکنا، ۲۰۰۴: ۱۴۲-۱۴۳).

امام خمینی(ره) داشتن انگیزه الهی و انگیزه خدمت را به‌عنوان مهم‌ترین اصل مطرح می‌کند. کارها باید برای رضایت الهی انجام شود. خداوند در صورتی از یک کارگزار سیاسی راضی است که با انگیزه خدمت صورت گرفته باشد و مردم از او راضی باشند. به عبارتی قیام‌الله باشد نه للنفس. (همان، ج ۱۸: ۴۴۴ و ۱۰۱) بر این اساس، انجام کار درست به تنهایی اهمیتی ندارد بلکه داشتن انگیزه و نیت نیز به همان اندازه لازم است.

از نظر امام خمینی(ره)، انسان نیازمند موعظه و نصیحت است و حتماً بایستی برنامه‌ای برای تذکر و یادآوری و نصیحت مرتب و منظم وجود داشته باشد. درست است که اخلاق فضیلت‌گرا قواعد عملی عامی برای همه شرایط تجویز نمی‌کند اما بر تذکر و توصیه دائم و شرکت در مجالسی که تذکر و یادآوری برای انسان را به همراه داشته باشد، تأکید می‌کند. همه افراد نیازمند توصیه و نصیحت‌اند از جمله سیاستمداران جامعه. نوع توصیه اخلاقی به مدیران تا حدی مشترک با دیگر اقشار است اما در جوهی نیز متفاوت است

زیرا صاحبان حقوق متفاوت هستند. توصیه به رعایت حقوق مردم و لزوم تزکیه و تصفیه قلب برای مسئولین بسیار جدی طرح می‌شود (موسوی خمینی، ۱۹۹۰، ج ۱۸: ۳۰۸) (همان، ج ۱۸: ۴۹۹).

اصل بر عمل به تکلیف و خودسازی است. سود و نتیجه در ادامه خواهد آمد. اما سود نباید در اولویت قرار بگیرد (همان، ج ۱۹: ۲۲۱). شاید از همین‌رو نیز فضیلت‌گرایی را دیدگاهی غایت‌گرا دانسته‌اند زیرا به غایت نهایی که سعادت است توجه می‌کند و خود عمل فضیلت‌مندانه با اتکا به نیت فاعل را در این زمینه دارای ارزش ذاتی می‌داند که به سعادت می‌انجامد. امام خمینی (ره) سنجه‌هایی ارائه می‌دهد تا کارگزاران خودشان را بیازمایند. مانند عدم توهین و افترا و خشم و عصبانیت، انتقادپذیری و عدم تخریب. چنین کارگزاری به راحتی حاضر می‌شود کار خود را به فردی که بهتر انجام می‌دهد بسپارد، خود را جای کسانی که از آنها انتقاد می‌کند بگذارد (همان، ج ۱۸: ۳۱۱، ۳۳۶ و ۴۶۶؛ همچنین ج ۱۹: ۴۴۷ و ۸۵). امام خمینی (ره) به نامه امام علی (ع) به مالک اشتر به‌عنوان مهم‌ترین سند اخلاق سیاسی ارجاع می‌دهد. در کنار ارجاعات مکرر امام خمینی (ره) در سخنرانی‌ها و توصیه‌های خود به امیرالمؤمنین، بنابر سیره‌ی آن حضرت به عدم اعتنا به قدرت سیاسی، عدالت ورزی، ساده زیستی و قناعت، عدم اعتماد به حسودان و تنگ نظران و ... ارجاع می‌دهند (موسوی خمینی، ۱۹۹۰، ج ۱۸: ۴۷۱ و ۴۹۹). وی تأکید می‌کند مسؤولان باید خود را هم‌پای بی‌بضاعت‌ترین افراد قرار دهند (همان: ۳۳۶ و ۳۶۷).

برخی نویسندگان صداقت، انتقادپذیری و ساده‌زیستی را به‌عنوان سه رکن اخلاقی سیاست امام خمینی (ره) نام برده‌اند. (اسلامی، ۲۰۰۲: ۲۳۷). نکات ذکر شده برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های اخلاق فضیلت‌مدار است که در حوزه سیاست خود را به شکلی که بیان شده است نشان می‌دهد.

مکاتب و وظیفه‌گرایی و سودگرایی

مهم‌ترین مکاتب اخلاق هنجاری عبارتند از اخلاق فایده‌گرا، فضیلت‌گرا و تکلیف‌گرا که بخش مهمی از بحث اخلاق سیاسی را به خود اختصاص داده است (ریچلز، ۲۰۰۹: ۱۰). از آنجا که فضیلت‌گرایی از گذشته وجود داشته است، دو گرایش دیگر یعنی وظیفه‌گرایی و سودگرایی را به‌عنوان مهم‌ترین نظریات اخلاق مدرن مطرح می‌کنند. وظیفه‌گرایان معتقدند عمل یا قاعده عمل می‌تواند به لحاظ اخلاقی درست یا الزامی باشد حتی اگر غایت مطلوبی همچون غلبه‌ی خیر بر شر برای فرد، جامعه یا جهان به بار نیورد (فرانکنا، ۲۰۰۴: ۴۷). این مکتب، عمل اخلاق را دارای ارزش ذاتی می‌داند. معیار درست بودن عمل نیز وظیفه یا الزام بودن آن است. وظیفه یا ناشی از امر الهی است یا چنان که کانت مطرح نموده است، حاصل امر مطلق و دست‌یابی به قانون جهان روا است. کانت مهم‌ترین اندیشمند وظیفه‌گرا است که اساسی‌ترین بحث‌های تکلیف‌گرایانه را در کتاب بنیاد مابعدالطبیعه اخلاق نگاشته است.

سودگرایان معتقدند معیار درستی و اخلاقی بودن یک کار این است که بیشترین میزان سعادت برای بیشترین تعداد انسان‌ها پدید آید. بنام و سپس استوارت میل مهم‌ترین اندیشمندان این مکتب هستند که نتیجه یک عمل را مهم‌تر از چگونگی فاعل و ذات عمل می‌دانند. معیار سنجش عمل در این مکتب، لذت

است. در هیچ یک از دو مکتب فایده‌گرا و تکلیف‌گرا به انگیزه و نیت فاعل اخلاقی توجه زیادی نمی‌شود. در حالی که انگیزه و نیت از اجزای اصلی فضیلت‌گرایی است. علاوه بر این، در اینجا چند نکته قابل تأمل دیگر نیز وجود دارد. نخست اینکه در کشور ما تأکید اصلی بر فضیلت‌گرایی است که با آموزه‌های دینی، فلسفی و فرهنگی ما سازگارتر است. اما نمی‌توان وجود مضامین فایده‌گرا و تکلیف‌گرا در این آموزه‌ها را کتمان نمود. در واقع این سه همراه یکدیگرند و از هم جدا نیستند. تنها تعیین نوع مناسبات و اولویت‌بندی آنها است که در هر جا متفاوت است. برای نمونه بسیاری از تقدم وظیفه‌گرایی بر فضیلت‌گرایی یا به عبارتی از تقدم حق بر خیر سخن رانده‌اند. در بحث حقوق، همه از حق برابر در عرصه اجتماع برخوردارند و فارغ از عقاید و جایگاه افراد باید حقوق آنها رعایت شود؛ ضمن این که وظیفه‌گرایی یک چارچوب قانونی مشخص را ایجاد می‌کند. اما در بحث خیر، فهم عرفی و عوامل مختلف دخالت دارد و نمی‌توان چارچوب ثابتی از قواعد را اجرا نمود (مقیمی زنجانی، ۲۰۱۷: ۲۲۳). بحث مشهور تقدم عدالت بر جود و احسان که در سخن امیرالمؤمنین در نهج البلاغه ذکر شده است نیز به نوعی تقدم وظیفه‌گرایی بر فضیلت‌گرایی اشاره دارد. عدالت بر محور حقوق می‌گردد و اخلاق اسلامی نوعی فراتر رفتن از حق و گذشتن اختیاری از حق مسلم خویش است. گرچه ایثار و احسان برخوردار از مضامین اخلاقی عالی است اما از نگاه سیاسی و اجتماعی این پاسداشت حقوق شهروندان است که در اولویت قرار دارد. بر همین اساس می‌توان انواع کمک‌های نوع‌دوستانه و خیرخواهانه از سوی دولت را تنها بعد از تأمین حداقل امکانات رفاهی شهروندان مانند اشتغال، مسکن و امنیت که حقوق اولیه‌ی شهروندان است قابل پذیرش دانست.

نکته دیگر این است که گرچه محورهای مفهومی و ماهوی این سه مکتب مشخص و معین است اما در همه جوامع به یکسان فهمیده نمی‌شود. تکلیف‌گرایی بدین معنا است که در انجام عمل اخلاقی، هیچ ملاحظه‌ای به جز انگیزه تکلیف به میان نیاید اما در اسلام این انگیزه مکتبی همان رضایت الهی است و در مکتب کانت مراد فهم امر مطلق است؛ بدان گونه که کرامت انسان را محفوظ داشته و بتوان آن را به صورت امری جهان روا توصیه نمود. فضیلت‌گرایی و فایده‌گرایی نیز همین گونه است. فضیلت‌گرایی تأکید زیادی بر فضایل فردی می‌کند اما آنگاه که به عدالت در سطح اجتماع می‌پردازد، محتوای اخلاق بین شخصی را مبهم رها می‌سازد (نیگل، ۲۰۱۴: ۴۶).

و در آخر این که بایستی نسبت فضیلت‌گرایی، فایده‌گرایی و تکلیف‌گرایی را با یکدیگر معین نمود. اما برای جامعه ما مهم‌تر این است که بحث فضیلت‌گرایی را به خوبی تئوریزه نمود. انجام این کار جایگاه سودگرایی و تکلیف‌گرایی را نیز نشان خواهد داد.

اخلاق کاربردی و اخلاق حرفه‌ای

اخلاق سیاسی به معنای اخلاقی که به حوزه سیاست مربوط می‌شود، امروزه در حوزه‌هایی مانند اخلاق کاربردی و اخلاق حرفه‌ای مورد مطالعه و پژوهش قرار می‌گیرد. اخلاق کاربردی درصد است تا کاربرد منطقی نظریه اخلاقی را در حوزه مسائل اخلاقی خاصی مانند سیاست، محیط زیست، پزشکی و غیره نشان

دهد، بر معضلات و کانون‌های بحران اخلاقی تکیه می‌کند، به جزئیات و زمینه‌ها توجه می‌کند و به دنبال راه‌حل‌های عملی است (اسلامی، دبیری و علیزاده، ۲۰۰۸: ۴۶). شناسایی هنجارها، حل مشکلات و ارزیابی عملکردها در مجموع سه وظیفه اصلی اخلاق کاربردی است. بر این اساس علاوه بر شناخت نظریات و مفاهیم اخلاقی بایستی از تخصص لازم در زمینه موضوع نیز برخوردار بود (خزایی، ۲۰۰۷: ۱۷۵-۲۰۴). از سوی دیگر، دانشی جدید به نام اخلاق حرفه‌ای پدید آمده است که شاخه‌ای از اخلاق کاربردی است و مسئولیت‌های اخلاقی در هر حرفه را به‌طور نظام‌مند بیان می‌کند. اخلاق حرفه‌ای بر مهارت تأکید می‌کند؛ مهارت همان سلوکی است که با مکمل‌های رفتاری و سیاسی تکمیل می‌شود (اسلامی، دبیری و علیزاده، ۲۰۰۸: ۸۹). این دانش متناسب با هر شغل شکل می‌گیرد و به تشخیص دقیق و حل اثربخش مسائل اخلاق در هر حرفه می‌پردازد. در گذشته تنها بر مسئولیت اخلاقی افراد در شغل آنها پرداخته می‌شد اما امروزه به سازمان‌ها و نهادها توجه بیشتری می‌شود و نگرش سیستمی کاربرد زیادی یافته است. اکنون به همان میزان که بر رفتار کارگزاران و مسئولین تأکید می‌شود، اخلاق کارگزاران سیاسی در سازمان‌های سیاسی و یا اخلاقی که بر یک سازمان سیاسی حاکم است توجه می‌شود. در کنار آن مباحث اخلاق شهروندی نیز اهمیت یافته است. می‌توان گفت اخلاق مربوط به سیاستمداران و شاغلین امر سیاسی در دانشی به نام اخلاق حرفه‌ای بحث می‌شود اما پرداختن به مسائل عرصه سیاست که به مردم و حاکمان مرتبط است، در اخلاق کاربردی مورد توجه قرار می‌گیرد. اخلاق حرفه‌ای یک شاخه در اخلاق کاربردی است که به مسائل خاص یک حرفه می‌پردازد. نامه امام علی(ع) به مالک اشتر، بحثی در حوزه اخلاق حرفه‌ای است که به مالک می‌گوید در شغلی که عهده‌دار شده است چه باید و نبایدهایی را رعایت کند. سیاستنامه‌ها اغلب به بحث اخلاق حرفه‌ای سیاست پرداخته‌اند. خواجه نظام الملک به شاه سلجوقی می‌آموزد که در موقعیت‌های گوناگون چه رفتاری در ارتباط با اقشار مختلف داشته باشد.

ضرورت نیاز به اخلاق حرفه‌ای

اخلاق در بهترین حالت و تعریف خود امری است اختیاری که زیبایییش نیز به خاطر غیر اجباری بودن آن است. اینکه فردی با اراده و اختیار خود از حق ویژه خود بگذرد و از دیگری دست‌گیری نماید، همان هدف اساسی اخلاق است که با محبت و ایثار تعالی یافته و گستره وجودی انسان را وسعت بخشیده است. اما نمی‌توان این خصایص انسانی را لباس قانون پوشاند. همچنین نمی‌توان با اجبار از فرد خواست که ملتزم به اخلاق باشد. نهایت چیزی که از افراد خواسته می‌شود در قالب قوانین و آیین‌نامه‌های داخلی سازمان‌ها است. این امر زمانی مشکل‌ساز می‌شود که برای برخی مشاغل نیاز زیادی به تعهدات اخلاقی و وجدانی دارید. در این موارد به سابقه فرد، گواهی شاهدان و قول و فعل همان فرد اکتفا می‌شود؛ در حالی که افراد می‌توانند تا حد زیادی حقیقت را کتمان کنند یا نفاق و ریا در کارشان باشد. بحث از رابطه اخلاق و قانون دراز دامن است و مباحث زیادی حول آن درگرفته است. هنوز در کشورهایی مانند انگلستان و آمریکا حقوق کیفری تلاش برای الزام و اجبار اخلاق هستند (هارت، ۲۰۱۸: ۲۹-۴۹). امروزه مراجع سنتی اخلاق مانند

دین و فلسفه همچون گذشته توان ارائه احکام جهان‌شمول را ندارند. علاوه بر آن مراجع سنتی بخش خاصی از جمعیت با مذهب یا قومیت و تفکر خاص را پوشش می‌دهند و محدود به گروهی بسته می‌شود (محمودیان، ۲۰۰۱: ۱۶ و ۱۷). در حالی که تنوع اقلیت‌ها و قومیت‌ها در کشورها بسیار زیاد است.

مشکل دیگر این است که اخلاق دارای درجاتی است و مسائل اخلاقی نیز دارای سطوح گوناگون است که فهم و تفسیر آنها را نمی‌توان به افراد واگذار کرد. درک هر انسانی از اخلاقی بودن خاص خود او است. هر کس درجه‌ای از تعهد اخلاقی را در حرفه خود کافی می‌داند که شاید واقعاً در حد قابل قبول آن نباشد و بر همین اساس هم به قضاوت اخلاقی، ممیزی افراد، اعتماد یا عدم اعتماد و... مبادرت می‌کند. بنابراین مشکلاتی ایجاد می‌شود مانند این که: برخی افراد که مقامات بالای سیاسی دارند دست به اعمالی می‌زنند که خارج از انتظار است. دچار فساد اخلاقی در قالب فساد مالی، رانت خواری، ویژه خواری، فامیل بازی و شکستن شایسته سالاری... می‌شود. برخی افراد بر اساس سلیقه خود دست به گزینش و ممیزی می‌زنند. برخی افراد در جایگاه مسئولیتی خود حقوق مردم را به خوبی مراعات نمی‌کنند و پرداختن به برخی کارهای تبلیغی و شعاری را بسیار با اهمیت‌تر می‌دانند و برخی عمل به ظواهر اخلاقی و شرعی را مهم‌تر از پرداختن به کار و حرفه خود می‌دانند به گونه‌ای که بخاطر دفاع آن شخص از انقلاب و نظام برخی خواستار ابقای او در مسئولیتش هستند در حالی که صاحبان حقوق از عملکرد وی ناراضیند...

به نظر می‌رسد در این موارد نمی‌توان تنها به اخلاق فردی و شخصی تکیه نمود و بایستی ضوابط محکم‌تری را حاکم نمود که مسئولیت‌های اخلاقی مربوط به شغل فرد نیز به او گوشزد شود و بداند در مواقع دوراهی و تزامم اصول مختلف چه کند. این اخلاق همان اخلاق حرفه‌ای است. اخلاق حرفه‌ای مسئولیت‌های فرد را در قبال افراد هم رده، در قبال رده‌های بالاتر و پایین‌تر، مسئولین سازمان، افراد و نهادهای خارج از سازمان مشخص می‌کند. افراد ملزم هستند به این منشور اخلاقی عمل نمایند و بر اساس آن می‌توان افراد را سنجید و مورد قضاوت قرار داد.

در واقع در اخلاق کاربردی و اخلاق حرفه‌ای سیاسی، اخلاق همان‌گونه که وصفی برای افراد است به‌عنوان وصف نهاد سیاسی در می‌آید. تفاوتی که ایجاد می‌شود در این است که در اخلاق حرفه‌ای بر رعایت حقوق افراد تأکید می‌شود. اخلاق فردی معمول همان حالت درونی و ملکه نفسانی را توصیه می‌کند اما رفتار ارتباطی به رفتار ارتباطی درون شخصی و بین شخصی مبتنی بر رعایت حقوق طرف ارتباط تعریف می‌شود (قراملکی، ۲۰۱۸: ۱۲۲). در اخلاق کاربردی با این نوع اخلاق مواجهیم. عدم توجه به این تمایز آسیب‌های فراوانی بر جای می‌نهد. می‌توان گفت وقتی اخلاق امری خصوصی و حالتی شخصی در نظر گرفته شود که ضمانت اجرای آن وجدانی و فردی است، نمی‌توان از یک فرد خواست تا رفتارهای خاص اخلاقی نشان دهد به‌ویژه با تلاقی این بحث با مباحثی همچون ربا، نفاق و زهد و... درخواست رفتارهای مشخص اخلاقی فردی با مشکلاتی مواجه است؛ اما در نظر نگرفتن چنین خواسته‌هایی نیز آسیب‌زننده است و ممکن است حداقل‌های اخلاقی نیز مراعات نشود.

دیدگاه مختار

اخلاق کلاسیک ایرانی و اسلامی که در نظام جمهوری اسلامی نیز از سوی رهبران نظام مورد تأکید قرار گرفته است نوعی از اخلاق فضیلت‌گراست. اخلاق فضیلت‌گرا یکی از شاخه‌های اخلاق هنجاری است. این شاخه از اخلاق امروزه در کشورهای اروپایی با عنوان نوفضیلت‌گرایی مطرح است. اخلاق فضیلت‌گرا در آموزه‌های اسلامی نیز دچار تحولاتی شده است که از جمله این تحولات می‌توان به گذار از نقش اصلی رییس مدینه یا حاکم جامعه به سوی تعیین‌کننده بودن نقش مردم است. به نظر می‌رسد فضیلت‌گرایی همان نظریه‌ای است که می‌توانیم امروزه به‌عنوان پایه اخلاق سیاسی خودمان مطرح کنیم. با این مقدمه که حتماً بایستی عناصر آن با شرایط امروزین جامعه تطبیق داده شود و حک و اصلاح گردد. چنان‌که امام خمینی (ره) نیز چنین کاری انجام داد. یکی از تازه‌ترین رهیافت‌ها به اخلاق حرفه‌ای، از طریق اخلاق فضیلت‌گراست. بر این اساس بیش از آن‌که بر حقوق طرفین تأکید شود، منش‌ها و فضایل اخلاقی افراد اهمیت می‌یابند. همان‌گونه که در ادبیات فقهی ما، عدالت شخص قاضی با عدالت امام جماعت تمایزاتی می‌یابد، فضایل و یا عدالت در هر یک از مشاغل با هم تفاوت دارد در مشاغل حقوقی، عدالت؛ در تعلیم و تربیت، رشد انسان؛ در مددکاری اجتماعی، رفاه و در پزشکی سلامت مهم‌ترین ارزش محسوب می‌شود. اخلاق سیاسی نیز از این قاعده استثناء نیست و بر اساس ایدئولوژی نظام سیاسی می‌تواند بر عدالت اجتماعی، آزادی، رفاه و یا سعادت دنیوی و اخروی مردم تأکید نماید. اخلاق فضیلت‌گرا تأکید می‌کند که به‌جای این‌که تنها به کسب موفقیت کاری بپردازیم، سودای خدمت هم داشته باشیم. همچنین اخلاق فضیلت‌گرا بهره‌مندی از عنصر غایت‌گرایی، تنها پول را معیار موفقیت نمی‌بیند و اهدافی اخلاقی و انسانی برای حرفه مشخص می‌کند (اسلامی، دبیری و علیزاده، ۲۰۰۸: ۹۲-۹۳).

علاوه بر اقدام فوق به دلیل مشکلاتی که در اخلاق فضیلت‌گرایی فردی پیش می‌آید و کنترل و نظارت تضمین شده‌ای ندارد، بایستی گذاری به اخلاق حرفه‌ای صورت گیرد و منشوری برای اخلاق سیاسی نظام نوشته شده و کمیته‌هایی برای حل مسائل اخلاق سیاسی تشکیل شود. این کمیته‌ها از متخصصین اخلاق، عالمان علوم سیاسی، کارگزاران نظام سیاسی و افرادی که به‌طور خاص درگیر مسأله شده‌اند تشکیل می‌شود و به بر شمردن مهم‌ترین مسائل اخلاق سیاسی و پیشنهاد راه‌حل‌هایی در این زمینه اقدام می‌نمایند. در حال حاضر برخورد تخصصی و کارشناسانه‌ای با معضلات اخلاقی سیاست نمی‌شود. داشتن منشور و تشکیل کمیته اخلاقی آخرین و بهترین راه برای داشتن اخلاق سیاسی مطلوب محسوب نمی‌شود اما می‌تواند راهی باشد که بهبود وضعیت موجود کمک نماید.

مسائل مهم اخلاق سیاسی حرفه‌ای

مشکلات و چالش‌های کنونی اخلاق سیاسی در ارتباط با اخلاق فضیلت‌گرا قابل فهم است. مطابق ویژگی‌های اصلی این اخلاق، اگر نه همه سیاستمداران و نخبگان جامعه اما اغلب آنها به چشم الگوهای اخلاقی نگریسته می‌شوند که نحوه رفتار آنها تأثیر زیادی بر نحوه تصمیم‌گیری‌های فردی شهروندان دارد. جایگاه رجال

سیاسی و اجتماعی از این حیث قابل تأمل است. ادبیات، گفتار و رفتارهای سیاسیون بیش از ادبیات سایر مردم در رسانه‌ها منعکس می‌شود و به مرور به ایجاد فرهنگ رفتاری خاص و تأثیر مشخص در شخصیت مردم می‌انجامد و در رفتارهای مردم و اخلاقیات آنها بروز پیدا می‌کند. از همین رو تأکید می‌شود که تا می‌شود از تخریب چهره‌هایی که الگوی اخلاق سیاسی در نظر مردم هستند پرهیز شود. در کنار پرهیز از تخریب بزرگان سیاسی، همچنین باید از مقدس نمودن آنها نیز پرهیز نمود. تقدیس افراد نیز به همان اندازه تخریب می‌تواند آسیب برساند. عدم خلط میان تخریب و نقد سازنده از مسائل مهم اخلاق سیاسی است.

اخلاق فضیلت بر منش و ویژگی‌های شخصیتی فاعلان سیاسی و اجتماعی متمرکز است. بحث تقوای سیاسی از اصطلاحات کلیدی اخلاق سیاسی در جامعه کنونی است. تقوای سیاسی به این معناست که همه کسانی که در کار سیاست هستند، سعی کنند با مسائل سیاسی صادقانه و دردمندانه و از روی دلسوزی برخورد کنند، فریب و دروغ گفتن به افکار عمومی مردم، مطلوب اسلام نیست. به‌طور خلاصه، تقوای سیاسی یعنی انسان در میدان سیاست صادقانه عمل کند» (خامنه‌ای، ۲۰۰۲). قدرت را به‌مثابه امانت دانستن، انگیزه خدمت داشتن به‌جای ریاست کردن، صداقت و راستی، پایبندی به عهد و پیمان، نفی حيله و نیرنگ، عدم استفاده از کلمات موهن و سخیف از جمله مؤلفه‌های سیاست فضیلت‌گرای اسلامی است.

تعریف درست مفاهیم اخلاقی و تعیین مرز شایسته آنها از مسائل مهم اخلاق سیاسی فضیلت است. اخلاق حرفه‌ای سیاسی می‌تواند در این قسمت ورود پیدا کند و مرز مفهومی این مفاهیم را مشخص سازد. برای نمونه میان اتهام زدن و شفاف کردن امور تفاوت وجود دارد:

«شفافیت معنایش این است که مسئول در جمهوری اسلامی عملکرد خودش را به‌طور واضح در اختیار مردم قرار بدهد... اما این که ما بیاییم این و آن را بدون این که اثبات شده باشد، بگیریم زیر بار فشار تهمت و چیزهایی را به آنها نسبت بدهیم که ممکن است در واقع راست باشد، اما تا مادامی که ثابت نشده است، ما حق نداریم آن را بیان کنیم... بعد هم یک نفر از آن طرف پیدا بشود و کل نظام را به اموری که شایسته نظام اسلامی نیست و نظام اسلامی شأنش بسیار بالاتر است از این چیزهایی که بعضی به نظام اسلامی نسبت می‌دهند، متهم بکند، این اشکال بر آنها بیشتر هم وارد است. تهمت زدن به یک شخص گناه است، تهمت زدن به یک نظام اسلامی، به یک مجموعه، گناه بسیار بزرگ‌تری است» (خامنه‌ای، ۲۰۰۹).

باید معیارهایی مشخص شود که بر اساس آنها اولویت‌ها را مشخص نمود و دوراهی‌های اخلاقی و سیاسی را به درستی حل نمود. برای نمونه، آیا بیان مطلبی که سبب بدبینی و بددلی می‌گردد، با این استدلال که بایستی به نشر حقایق پرداخت، ولو حقیقتی که هنوز کاملاً درست و نادرستش معین نشده است، درست است، یا این که نباید مردم را بدبین و بدگمان ساخت. اولویت ارزشی ما کدام است؟ حسن‌ظن مردم و سردرگم نشدن آنها و یا نشر آزادانه مطالب به هر قیمتی؟ به عبارتی همان سؤال معروف به میان می‌آید که اولویت با امنیت است یا آزادی؟ اخلاق فضیلت‌گرا می‌تواند بسیاری از این اولویت‌ها را معین نماید.

تفکیک بین آرمان‌ها و واقعیات نکته مهم دیگر در اخلاق سیاسی است. ما آرزوی جامعه‌ای کاملاً اخلاقی و دارای رشد معنوی را داریم. میراث فرهنگی بسیار غنی فلسفی، عرفانی و ادبی در زمینه اخلاق برجای مانده و رسانه‌های ما نیز به نشر این مباحث می‌پردازند. اما آیا این به معنای اخلاقی بودن جامعه است؟ در چه حدی باید از جامعه انتظار داشت؟ جامعه رشد یافته چه حدی از رشد را دارد؟ کاربرد ادبیات اخلاق فضیلت‌گرا چه نسبتی با اخلاق سودگرا داشته باشد؟ تا چه حد به اخلاق سودگرا اجازه جولان بدهیم؟ این که چگونه بتوانیم مرز توطئه و شایعه پراکنی را از مرز آزادی بیان و نشر حقایق جدا نماییم نیز یکی از چالش‌های اخلاق سیاسی در نظام سیاسی جمهوری اسلامی است. چگونه می‌توان صداقت را از توطئه تشخیص داد. اصل بر حقیقت است یا همیشه باید احتیاط کرد و با تردید نگریست.

مسئله دیگر این است که پس از این که مشخص شد برخی سیاستمداران اقدام به اتهام زدن، شایعه پراکنی، دروغ و تهمت نموده‌اند، مجازات آنها چیست؟ روشن است که عمل غیر اخلاقی از سوی سیاستمداران تأثیری متفاوت با تأثیر عمل غیر اخلاقی یک شهروند عادی دارد. بی‌اخلاقی سیاستمداران می‌تواند به یک سبک رفتاری در جامعه تبدیل شود بنابراین حتماً بایستی عواقبی بر آن مشخص نمود. علاوه بر آن باید پاسخ بی‌اخلاقی را داد و به‌طور شفاف توضیح داد که چه کاری صورت گرفته است و سرانجام آن چیست تا جامعه به سردرگمی و به‌انزوا رفتن دچار نشود.

این که چگونه می‌توان میان اهداف و منافع حزبی و جناحی و منافع کلان ملی جمع زد بحثی با اهمیت است. حل این مسئله سبب می‌شود نه بازار اتهام زدن و خرده‌گیری گرم شود و نه گناهکار از تاوان گناه خود دور بماند، بلکه هر کس مسئولیت کار خود را بپذیرد و تقصیرات را گردن دیگران نیندازد. بحث دیگری که در مورد اخلاق سیاسی در جمهوری اسلامی ایران باید در نظر داشت، نشان دادن تأثیر انقلاب اسلامی بر سیاست و اخلاق است. بی‌تردید اخلاق سیاسی در حکومتی که پس از انقلاب اسلامی بر سر کار می‌آید با سایر رژیم‌ها متفاوت است. تأثیرات خاص انقلاب اسلامی بر اخلاق سیاسی ما چه بوده و چه تحولی در آن ایجاد نموده است. انقلاب اسلامی ایران چه شروع جدیدی در بحث اخلاق سیاسی ایجاد نمود و چگونه می‌توان آن را حفظ کرد و تداوم بخشید. به نظر نگارنده، اخلاق سیاسی ما بر چارچوب اخلاق فضیلت‌مدار و با توجه به ملاحظات اخلاق حرفه‌ای بایستی چیده شود.

نتیجه‌گیری

هدف اصلی مقاله حاضر این بود که اخلاق سیاسی مطلوب جامعه ما را نشان دهد. در جامعه کنونی اخلاق سیاسی به‌عنوان امری که بر چگونگی کنش‌های سیاسی تمرکز می‌کند و در عین تأکید بر روش صحیح انجام اعمال سیاسی، غایب و اهداف این اعمال را نیز از نظر دور ندارد، نمی‌تواند از فضیلت‌گرایی به دور ماند. اخلاق فضیلت‌گرا پایه و مبنای اصلی نظریات اخلاق سیاسی ما است اما مسائل و مشکلات موجود در این زمینه، استفاده از رهیافت‌های نو برای کارآمد کردن و رفع نقایص فضیلت‌گرایی را ضروری می‌سازد. بر این اساس، پس از احصای مختصر و سریع نظریات مطرح کنونی اخلاق سیاسی، بر تلفیق اخلاق فضیلت

و اخلاق حرفه‌ای سیاسی تأکید شد. اخلاق حرفه‌ای بر اساس منابع اخلاقی موجود در هر جامعه به تدوین منشور اخلاقی و تشکیل کمیته‌های اخلاقی مبادرت می‌ورزد و برای حل مشکلات اخلاقی چاره‌جویی می‌کند. این امر می‌تواند ضمن الزام آورتر کردن قواعد اخلاقی، مسائل اخلاقی را که بر خلاف شعارهای مطرح در جامعه، به حاشیه مباحث سیاسی و اقتصادی پرتاب شده است، بار دیگر به مرکز توجه بیاورد و عدم رعایت اخلاق را امری پرهزینه سازد. نگارنده در نوشته‌های دیگری به چگونگی بهره‌گیری از نظریات اخلاق سودگرا و وظیفه‌گرا در کنار فضیلت‌گرایی پرداخته است و در این نوشته تنها در حد اشاره به این مباحث بسنده نمود. همچنین بحث چگونگی استفاده از فضیلت‌گرایی در کنار حرفه‌گرایی بحثی بسیار جدید، پرکاربرد و در عین حال مفصل است که رسالت نوشته حاضر تنها طرح بحث برای آغاز باب جدیدی برای مطالعه و پژوهش در این عرصه بود. راه دقیق‌تر فهم این مطلب تمرکز بر برخی مسائل عینی اخلاقی معاصر در حوزه سیاست است تا به‌طور عملی شیوه تصمیم‌گیری و ارائه راه حل بررسی و بر اساس عواقب و نتایج آن قضاوت شود. نویسنده قصد دارد در نوشته‌های آینده در این عرصه پژوهش نماید و از سایر محققان نیز دعوت به همفکری و پژوهش می‌نماید.

References

- A group of writers (2008), applied ethics, Qom: research institute of Islamic sciences and cultur. (In Persian)
- Abedi Renani, Ali and Sarparast Sadat Seyed Ibrahim (2016), “Robert Nozick's Anthropological Assumptions and McIntyre's Socialist Critique of It”, Quarterly Journal of Political and International Approaches, Vol. 8, No. 2, Issue 48. (In Persian)
- Aristotle (1999), *Nicomachean ethics*, Tehran: new design. (In Persian)
- Eslami, Hasan (2002), *Imam, Ethics, Politics, Tehran*: Institute for Organizing and Publishing Imam Khomeini's Works and Headquarters for Commemorating the 100th Anniversary of Imam Khomeini. (In Persian)
- Eslami, Hasan (2008), “Virtuous ethics and its relationship with Islamic ethics”, Journal of Ethics, Vol. 1, No. 1. (In Persian)
- Farabi, Mohammad Ibn Mohammad (2009), *Abstract Chapters*, Tehran: Soroush. (In Persian)
- Frankenna, William Kay (2004), *Philosophy of Ethics*, Qom: Taha book. (In Persian)
- Gharamaleki, Ahad (2018), *an Introduction to Professional Ethics*, Qom: Majnoon. (In Persian)
- Hart, Herbert (2018), *Law, Freedom and Ethics (Introduction to the Philosophy of Criminal and Public Law)*, Tehran: Ney Publishing. (In Persian)
- Herst house, Rosalind and Petti grove, Glen (2016), “Virtue Ethics”, Stanford Encyclopedia of Philosophy, at: <https://plato.stanford.edu/entries/ethics-virtue/>
- Khamenei, Ali (2011), Tehran Friday Prayer Sermons, at: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18923>. (In Persian)

- Khazaei, Zahra (2007), “Applied Ethics: Nature, Methods and Challenges”, *Philosophical Theological Research*, Vol. 9, No. 33, autumn. (In Persian)
- Mahmoudian, Mohammad Rafi (2001), *Ethics and Justice*, Tehran: New design. (In Persian)
- Meidari, Ahmad (2006), “Introduction to the Theory of Good Governance”, *Social Welfare Quarterly*, Vol. 6, No. 22. (In Persian)
- Mirkhalili, Seyed Javad (2018), *Islamic Revolution and Development of Humanities and Islamic Sciences*, Qom: Institute of Islamic Sciences and Culture. (In Persian)
- Moghimi Zanjani, Shervin (2017), “The priority of conscientious ethics over virtue-oriented ethics in the field of media”, *Quarterly Journal of Media and Culture*, Vol.7, No.2, second issue, (autumn and winter). (In Persian)
- Mosavi Khomeini, Ruhollah (1982), *Sahifa Imam*, Tehran, Organization of Cultural Documents of the Islamic Revolution. (In Persian)
- Mosavi Khomeini, Ruhollah (1990), *Sahifa Enqelab*, Tehran, Ministry of Culture and Islamic Guidance. (In Persian)
- Mosavi Khomeini, Ruhollah (1992), *Sharh Chehel Hadith*, Tehran, Imam Khomeini Publishing House. (In Persian)
- Nigel, Thomas (2014), *Ethics*, Tehran: Contemporary View.
- Parry, Richard (2014), “Ancient Ethical Theory”, *Stanford Encyclopedia of Philosophy*, at: <https://plato.stanford.edu/entries/ethics-ancient>.
- Pincoffs, Edmund (2003), *quandaries and Virtue (against reductivism in ethics)*, Qom: Maaref Publishing House.
- Porter, Jane (1999), “Ethics of Virtue”, *Qabsat Quarterly*, Vol. 1, No. 13.
- Rachel, James (2009), *Philosophy of Ethics*, Tehran: Wisdom. (In Persian)
- Shahriari, Shima and Nawab, Mohammad Hossein (2015), “Zagzebski's Ethical Theory: The Virtuous Theory of the Model”, *Journal of Philosophy*, Vol. 43, No.1, (spring and summer). (In Persian)
- Walser, Michael (1973), *the Problem of Dirty Hands*, *Philosophy & Public Affairs*, Vol. 2, No. 2 (winter).